

دی پر حادثه

سرگه بارسقیان

روزنامه‌نگار

برای تانگو رقصیدن باید دونفر بود
مذهبی هاتانگو نمی رقصند

این دیالوگ امانوئل مکرون و حسن روحانی رؤسای جمهوری ایران و فرانسه است؛ به نقل از روزنامه لوموند در حاشیه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل در مهر ۹۸ برای نشان دادن روحانی و دونالد ترامپ کنار هم تاریک جمهوری آمریکا عکسی بگیرد و از نیویورک به واشنگتن برود. جواب نه بود. تانگویی در کار نبود؛ در عوض ایران و آمریکا دولت کردند. کانال فرانسه پس از اعتراضات آبان سرد و خاموش شد؛ این بعد آشکار شد که با اعتراضات آبان تحلیل آمریکایی ها، سعودی ها و اسرائیلی ها این بود که ایران لبه پرتگاه است؛ تحلیلی که در الیزه خریداری نداشت اما پیامی هم نداشت که به ایران بدهد. با یاد آبان، تک برگ مکرون برای سبک شدن تحریم ها در قبال پایبندی کامل ایران به تعهدات برجامی و گفت و گو درباره آینده برنامه اتمی اش - بعد از سال ۲۰۲۵ - ریخت. نگاه هارفت سمت ژاپن با سفر پشت سر هم نخست وزیرش به تهران و روحانی به پکن. اما توکیو هم نتوانست از این دولت جلوگیری کند و این فقط طرح سوئیس بود که توانست پیش از شلیک، تنفسی کوتاه به دو طرف بدهد با مبادله زندانی ها.

داستان دوسلیمانی

کاخ سفید در فاصله یک ماه مسعود سلیمانی زندانی در آمریکا را آزاد و قاسم سلیمانی را ترور کرد؛ فاصله بین ۱۶ آذر تا ۱۳ دی. آزادی پژوهشگر ایرانی سلول های بنیادین در آمریکا در مقابل آزادی ژانواوگ، شهروند چینی - آمریکایی محبوس در ایران، همان زمانی است که دو طرف دولت لحظه ای ایستادند و به پشت سر نگاه کردند. ترامپ از ایران برای «این مذاکره خیلی منصفانه» تشکر کرد و نوشت: «دیدید مامی توانیم با هم به توافق برسیم.» و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران هم «از همه کسانی که در این امر دخیل بوده اند، بویژه دولت سوئیس» قدر دانی کرد. این مبادله اما آغاز یک روند یا مقدمه یک توافق نبود؛ بویژه که به روایت نیویورک گروه های غیردولتی و کانال های غیررسمی هم در این تبادل زندانی نقش داشتند و اعتبار آن تنها منحصر به ابتکارات دولتی نبود. این مبادله تنها یک وقفه بود در قدم های سریع دو طرف به سمت دولت بزرگ آن هم در زمانی که کانال فرانسوی مسدود و کانال سوئیس در تبادل پیام محدود شده بود. البته طبق آنچه روحانی در جلسه هیأت دولت گفت او در سفر به ژاپن (۲۹ آذر) بار دیگر تکرار کرد که «مادر مذاکره و صحبت کردن با هیچ کس مشکلی نداریم.» این گفته رئیس جمهوری به وزیر خارجه هند (۲ دی) که «امریکانا گزیر است قبل یا بعد از انتخابات ریاست جمهوری دست از فشار حداکثری بر ایران بردارد» نشان می داد که طرف ایرانی مایل به دولت و شلیک اول نبود و حتی روند اتفاقات تا چند ماه دیگر قابل تغییر جهت بود، خصوصاً که روحانی همچنان می گفت فردی نیست که از هیچ فرصتی بگذرد، «اگر شرایطی باشد که همه اصول محافظ شود، جلسه می گذارم و مذاکره می کنم که آیا این که قبلاً هم این کار را انجام داده ایم، برای شرایط امروز مقصر نیستیم و تخلف نکردیم. عهد خود را زیر پا نگذاشتیم و به مردم دنیا و خود دروغ نگفتیم. امروز دولتی روی کار آمده که به هیچ تعهدی پایبند نیست و حتی تعهدات با دوستان خود را زیر پا گذاشته. معاهدات بین المللی را نقض کرده، از قرارداد های بین المللی خارج شده، زمین کشوری را به متجاوز می بخشد و فردی است که با هیچ قاعده ای ناساخته است. اینکه جلوی این فرد را می توانستیم بگیریم و با چراغ سبزی پرورنی کرد روزی که و قتش رسید، می گویم.» (۱۱ دی) اما ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی در بغداد، شلیک اول ترامپ بود و آغاز دولت.

شلیک اول از پشت

۱۳ دی ۹۸ (سوم ژانویه ۲۰۲۰) ساعاتی پس از شهادت قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و ابومهدی المهندس، معاون حشد الشعبی

چگونه در یک هفته سیمای سیاسی ایران و منطقه دگرگون شد؟

و همراهان شان با شلیک ۴ راکت از پهپاد های آمریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد، پنتاگون در بیانیه ای اعلام کرد: «سلیمانی به طور فعال مشغول طرح ریزی برای حمله به دیپلمات ها و نیرو های نظامی آمریکا در عراق و سراسر منطقه بود. اوطی چند ماه گذشته حملاتی را به پایگاه های نیرو های ائتلاف در عراق - از جمله حمله مورخه ۲۷ دسامبر - سازماندهی کرد که این حملات به کشته و زخمی شدن نیرو های آمریکایی و عراقی انجامید. سردار سلیمانی همچنین حمله به سفارت آمریکا در بغداد را که این هفته روی داد، تأیید کرده بود. هدف از این حمله [ترور سلیمانی] جلوگیری از حملات آینده ایران بود. ایالات متحده همچنان هر گونه اقدام لازم برای محافظت از شهروندان اش را انجام خواهد داد.» اما طرح ترور سلیمانی برنامه ای نبود که به فاصله چند روز از حمله به سفارت آمریکا در بغداد طرح ریزی شده باشد؛ بلکه می توان این روایت نیویورک تایمز را قریب واقعیت دید که سوء قصد به جان قاسم سلیمانی محصول برنامه ریزی ۱۸ ماهه آمریکا بود اما باید دید چرا این زمان برای انجام عملیات ترور انتخاب شد؟ صرف اینکه دونالد ترامپ در تعطیلات سال نو در اقامتگاه شخصی اش در فلوریدا از حمله به سفارت آمریکا به خشم آمد و گزینه ترور قاسم سلیمانی را انتخاب کرد، نمی توان دلیل کافی برای چنین ریسک بزرگی دانست؛ چه اینکه حذف یکی از مردان متنفذ خاورمیانه به بهانه «باز دارندگی ایران» باز گذاشتن دست ایران برای پاسخ نهایی بود؛ چنانکه پیغام هایی که آمریکا با فاصله پس از ترور سلیمانی به ایران فرستاد، به گفته طرف ایرانی انتظار برای پاسخ متقابل بود؛ اما پاسخ متقابل یعنی چه؟ این تصمیم چقدر متأثر از شرایط داخلی عراق و چه میزان منطبق بر برداشت آمریکایی ها از شرایط سیاسی ایران پس از آبان بود؟ یکی از گره های مهم حل معادله حذف فیزیکی پری ریسک شهید سلیمانی، کشف دلیل انتخاب زمان این عملیات است؛ هر چند مقامات آمریکایی نتوانستند تا امروز ابعاد تهدید قریب الوقوعی که از جانب سلیمانی متوجه آنها بود، تشریح کنند. صرفاً شایعاتی مطرح بود که آمریکایی ها از حرکات احتمالی ایران در خلیج فارس هر اسناک شده اند یا امکان داشت حزب الله لبنان حملات نظامی علیه اسرائیل سازمان دهد. اینها صرفاً در حد گمانه مطرح بود و حتی ترامپ هم در توجیه این اقدام به این گفته بسنده کرده که سلیمانی باید ۲۰ سال قبل کشته می شد.

انتقام حساب شده

معلوم بود که پیامدهای ترور سردار سلیمانی فقط در مرز های ایران و عراق خلاصه نمی شود بلکه طوفانی است که کل منطقه و حتی داخل آمریکا را در خواهد نوردید و باید منتظر شلیک دوم بود؛ این بار نوبت ایران بود و هدف پایگاه عین الاسد در عراق؛ چرا این هدف انتخاب شد؟ چون بنابه گفته مقامات ایرانی برنامه ریزی برای ترور سردار سلیمانی در آنجا انجام شده است. بعد از مقامات نظامی ایران گفتند که هدف شان از این حمله تلفات انسانی نبود چنانکه سردار حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد که ایران به دنبال کشتن سربازان آمریکایی نبوده و هدف اصلی این حمله آسیب زدن به ماشین نظامی آمریکا در منطقه و هشدار جدی به این کشور بوده است. شلیک موشک های ایرانی به پایگاه آمریکایی در ۱۸ دی در حالی انجام شد که ترامپ تهدید کرده بود ۵۲ نقطه ایران را در صورت حمله ایران هدف قرار خواهد داد. تخاصص به نقطه جوش رسید؛ ایران زداما آمریکا پاسخ نداد و حتی رئیس جمهوری ایالات متحده ساعاتی پس از انتقام ایران گفت تهران قصد ادامه حمله را ندارد؛ رئیس جمهوری که دقیقاً بعد حمله توثیت کرده بود: «همه چیز خوب است!» و رفت تا ساعاتی بعد. یکبار ه گفتن ترامپ به سمت آغوش باز صلح و ادامه تحریم ها تغییر جهت داد؛ دیگر خبری از شلیک های بعد نبود. ترامپ در خرداد امسال هم در توثیت خود نوشته بود درواکش به سرنگونی پهپاد آمریکایی در دقایق آخر، حمله به سه هدف در ایران را لغو کرده است. ترامپ نوشته بود: «آنها روز دوشنبه یک پهپاد بدون سرنشین را، که بر فراز آب های بین المللی در پرواز بود، سرنگون کردند. ما دیشب کاملاً مجهز و آماده برای حمله تلافی جوانانه به سه مکان مختلف [در ایران] بودیم که من پرسیدم: چند نفر کشته خواهند شد؟ یکی از ژنرال ها به من پاسخ داد: قربان، ۱۵۰ نفر. من ۱۰ دقیقه پیش از اجرای حمله آن را متوقف کردم، به این خاطر که وارد آوردن چنین تلفات بالایی [